

متن پرسش

با سلام: ببخشید استاد عزیز بنده اشخاص زیادی را می‌شناسم که در انجام سلوک فردی بسیار کوشا هستند و به مقاماتی رسیده‌اند اما هیچ کاری با انقلاب و شرایط روز ندارند مگر این سلوک فردی نباید انسان را به سلوک اجتماعی برساند و اگر اینگونه است چرا این افراد که عموماً محرمات الهی و انجام واجبات و مستحبات را به جا می‌آورند به همچین سلوکی که شما در این تاریخ با انقلاب اسلامی می‌فرمایید نمی‌رسند مشکل آن‌ها کجاست و آیا این که این افراد به چنین جایی نمی‌رسند ضعفی برای آنان است چون آنان به واقع فکر می‌کنند به تمام دین دست پیدا کرده‌اند. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سلوک فردی به تنهایی یک امر فکری است و البته در جای خود مفید می‌باشد. ولی سلوکی که در بستر تاریخی باشد که با انقلاب اسلامی شکل گرفته، سلوک قلبی است و موجب شور ایمانی می‌شود و راه شهدا را در مقابل ما می‌گشاید.

با حضور انقلاب اسلامی در تاریخ، منابع هویت‌بخشی ما که در جهان مدرن در حال بیرنگ شدن و فراموشی بود، امکان بازخوانی یافت و توانستیم از آینده‌ی تیره و تاری که جهان مدرن گرفتار آن است، به آینده‌ای دیگر نظر اندازیم و آن‌چنان با به ظهور آمدن انسانیت توسط شهدا، روحی انسانی چشم‌ها را به خود جلب کرد که امیدواری به حقیقت دل‌ها را گرم نمود و این یعنی باز انسان می‌تواند در اندیشه‌های متعالی مأوا بگیرد و باز خداوند در جان‌ها حاضر شود و زندگی از سرگردانی و بی‌جهتی، جهت خود را پیدا کند. زیرا پس از سال‌ها روشن شد آن‌جا که معنا و حقیقت نباشد، آدمی نمی‌ماند. آدمی زیر سایه‌ی حقیقت مأوا می‌گیرد و از پوچی دنیای مدرن فاصله می‌گیرد تا گرفتار زندگی روزمره نگردد و به هر چیز تن دهد. و از این جهت در این زمانه نیاز به سلوکی داریم در بستر انقلاب اسلامی. موفق باشید